

حکومت "کهی خا" ها

نوشته‌ی آزاد کریمی



خوادیک، خواچیک، خاچیک، چوخوا، خواچوب، داردهست، کوتهک، خودهک، دهککو، چهکو، کویخا، کهیخوا، کهیخا، دیخواک، خوادیک به معنای کدخدا و نماینده‌ی ارباب(خدا) است.

فردوسی جاودان نام کدخداها را به عنوان کیان یا شهریاران کیانی ایران باستان نام می برد.

خوادیک به معنای چوب دست خدا یا عصا می آید. این عصا دارای یک حلقه یا کومه است. داخل آن سنگ خرد که نشانه‌ی عدالت، تعادل و فهم و دریافت عقلی بالا است قرار دارد. این چوب با کومه نشانه‌ی مار یا رووه است که سمبل ازلیت پویا و متحرک و آینده‌نگری است.

این عصا در دست فرعونهای مصر قرار دارد. همچنین نماد کدخدایان در تمامی آثار باستانی از آناتولی تا شمال خلیج فارس قرار دارد. در سنت زرتشتیان مدرن به آن فره‌وه‌ه‌هر می گویند.

نیرو در داخل حلقه قرار دارد و زیر حلقه رشته‌های خمتان یا آناهیتا قرار دارد. بالهای ازل پویا از دو طرف گسترده است و نماد حرکت از ازل به ابد و توقف در جاودانگی است. زیرا نیرو در حلقه و

حلقه در جاودانگی قرار دارد. ابد پایان همه چیز است و هنوز اتفاق نیفتاده است. ابدیت به معنای نابودی سایه‌ی خدا است. زمانی که گستره‌ی سیاهی و تاریکی محو شود و نور خدا بر هست و نیست پرتو بیفکند و مرز خاکستری نابود شود و همه چیز به ذره برگردد و ذره به پهلوی خدا برگردد و با خدا یکی شود.

کسی هست به من بگوید خدا چه وقت و چگونه این رویداد را به چه کسی اطلاع داده است تا او به ما گفته باشد که پایان ماجرا چه وقت است؟

پایان دوران ما به معنای وقوع ابدیت و برگشتن به ذره نیست. پایان دوران ما پایان یک دوره‌ی طولانی از زندگی به سبکی بوده که اجداد ما و ما تجربه کرده‌ایم اما باید این نوع زندگی با این روش قابل تحمل نیست و باید تغییر کند. چاره‌ای نیست. تغییر سبک زندگی کنونی به معنای رسیدن به ابدیت نیست. ما نمی‌توانیم به ابدیت برسیم زیرا ما نمی‌توانیم حرکت را متوقف کنیم. سرعت ما اگر به سرعت او برسد باز هم ما نمی‌توانیم به ابدیت برسیم. زیرا ما به نسبت ابدیت یک حالت موازی داریم اگر چه در داخل گستره‌ی آن هستیم.

ذهن‌های تخیلی و افیونی ترهاتی را به نام پایان و انفجار و چیزهای دیگر برای ما گفته‌اند که من آن را به آسانی نمی‌پذیرم. پایان ماجرا در اراده‌ی خدا است و او هنوز به ذهن نیاورده است چه وقت آن را اجرا می‌کند. بنابراین از گمانه‌زنی پرهیزید و برای تغییر بنیادین سبک نکبت‌بار زندگی کنونی اقدام کنید. چاره‌ای ندارید. کسی نمی‌تواند به من آسیب بزند زیرا پایان ماجرا نزدیک می‌شود و ما هر لحظه به تغییر بزرگ نزدیکتر می‌شویم.

اما دوست دارم درباره‌ی خراسان یا سرزمین کاوه‌ی آهنگر یا آتشدان آهنین خارونا که اژدهای ارخوان مردوخ که آتش خاکی نرگال است باید بگویم اشعه‌ی اولین تابش خورشید بر این آتشدان در شب چله یا شب آغاز سال جدید در ابتدای خلقت است و نماد آن گراز پیشروی بنفش با درخشش طلایی است. این گراز معرف اشعه‌ی ماوراء بنفش است. او نیزه‌دار لشکر پیروزمند آتوشا(تاج آتشین خورشید) در ابدیت بودن است. او همانطور که از نامش پیداست در اوج و بلندی منشور هفت رنگ قرار دارد و به همین دلیل در کردی به آن برزان می‌گویند. بنابراین خراسان جایگاه آتشدان آهنین مقدس برجوند بارام یا برج مریخ است و آن مشعل روشنی است که در بلندای این برج قرار دارد. این بلندا برزان نام دارد.

در هیچ جای جهان باستان متنی یافت نشده است که نوشته باشد آتش بهرام در مشهد باشد. اما واژه‌ی خراسان علاوه بر شرق فلات ایران کنونی نام یک روستا در منطقه‌ی سردشت در کردستان ایران و همچنین نام یک شهر در کردستان ترکیه در اطراف دریاچه‌ی وان نیز می‌باشد.

با تمامی این اوصاف باید بگویم هر غروب ما به ازلیت می رسیم و هر روز با طلوع خورشید ما به ابدیت بودن نائل می شویم. پس می توانیم بگویم روز و شب و گذر زمان نمادی از قیامت یا فرسنگرد است که ۳۶۵ بار در یک سال اتفاق می افتد. اما میانه ی روز که نیوه‌رو یا نیمروز یا جاودانگی است برابر با ۱۲ است و نماد تکامل است و خورشید بر بالای زمین قرار می گیرد.

شاید بگویید در زمستان و تابستان زاویه ی خورشید با زمین تغییر می کند .

بله! درست است. اما سقز که کوردیلومون و آریانم و اچه و خونیره بامیک و صندوق عهد و مکان خوشه‌تره و جام آنو و چاه زمان و چشم کائنات و خراسان یا مکان مشعل مقدس و بهرجه‌وند بارام در آن قرار دارد دقیقاً جایی است طبق کتاب مینوی خرد خورشیده است یعنی مماس بر تاج خورشید است و یک محور نامرئی مغناطیسی زمین را مقابل خورشید نگاه می دارد و تغییر زاویه ی تابش زمین با آفتاب تغییری در این محور نمی دهد. بنابراین در این نقطه سال ۳۶۰ روز است و ماه سی شب و قرص ماه یا کاشپره (Kaashpurra) در این نقطه در شب پانزدهم اتفاق می افتد نه شب چهاردهم. کاشپره یعنی کاسه‌ی پر شده که همان ماه است در شب پانزدهم. این ماه نماد سوشانس است که چراغ دانش است. او راهنما است و خیرخواه دیگران است.

داستان همین بود !